



The effect of coping styles on marital satisfaction with the moderating role of alienation in married female students

Samaneh Shokooh, M.A

M.A. student of clinical psychology, Islamic Azad University, Naein Branch, Isfahan, Iran

mohammad Zaree Neyestanak, Ph.D

psychology Department ,Naein branch , Islamic Azad University ,Naein ,Iran

تأثیر سبک‌های مقابله‌ای بر رضایت زناشویی با میانجیگری احساس از خودبیگانگی در دانشجویان زن متأهل

سمانه شکوه

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، ناین، ایران

محمد زارع نیستانک*

استادیار گروه روانشناسی، واحد ناین، دانشگاه آزاد اسلامی، ناین، ایران

Abstract

This study aimed to investigate the effect of coping styles on marital satisfaction with the moderating role of alienation in married female students. The statistical population of this study included all married female students of Payame Noor University of Najaf abad city who studied in the academic year of 2018-2019. Research design is descriptive and research method is correlational. 252 female students of Najaf abad Payame Noor were selected as the sample using convenience sampling method. Alienation Questionnaire (Osin, 2009), Coping Styles Questionnaire (Endler & Parker, 1990) and Enrich Marital Satisfaction Inventory (Olson et al, 1987) were used in order to collect data. Data were analyzed using Pearson correlation coefficient, multiple regression and path analysis using SPSS-22 and AMOS software. The results of this study showed that there is a significant relationship between coping styles and marital satisfaction with moderating role of alienation among married female students of Payame Noor University of Najaf abad city ($P < 0.01$). This means that the effect of coping styles on marital satisfaction with the moderating role of alienation in married students is significant.

Keywords: coping styles, marital satisfaction, alienation, married female students

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر سبک‌های مقابله‌ای بر رضایت زناشویی با میانجیگری احساس از خودبیگانگی در دانشجویان زن متأهل بود. طرح پژوهش توصیفی و روش پژوهش همبستگی بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور نجف‌آباد بودند که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مشغول به تحصیل بودند. به این منظور ۲۵۲ نفر از این دانشجویان با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه سبک‌های مقابله با استرس (Endler & Parker, 1990)، پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (Olson, 1987) و پرسشنامه از خودبیگانگی (Osin, 2009) استفاده شد. داده‌ها با روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار SPSS22 و AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های مقابله‌ای با نقش میانجی احساس از خودبیگانگی بر رضایت زناشویی دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور نجف‌آباد تأثیر معناداری دارد ($P < 0.01$)؛ این بدین معناست که تأثیر سبک‌های مقابله‌ای بر رضایت زناشویی با میانجیگری احساس از خودبیگانگی، معنادار است.

واژگان کلیدی: سبک‌های مقابله‌ای، رضایت زناشویی، احساس بیگانگی، دانشجویان زن متأهل

مقدمه

(Nasirzadeh & Rasoulzadeh, 1388). مقابله عبارت است از تسلط یافتن، کم کردن یا تحمل آسیب‌هایی که استرس ایجاد می‌کند (Folkman & Lazarus, 1980). بر این اساس مقابله شامل تمام تلاش‌های شناختی و رفتاری است که برای مهار، کاهش یا تحمل درخواست‌های درونی یا بیرونی به کار گرفته می‌شود (Hasanshahi, 1381). بر اساس تئوری‌های روان‌شناختی، راهبردهای مقابله‌ای، نقش مهمی در کاهش استرس و در نتیجه سلامت روانی (mental health) افراد دارند و مفهوم استرس به تنهایی و بدون در نظر گرفتن مهارت‌های مقابله‌ای آنان، ارزش محدودی در توضیح و پیش‌بینی وضعیت افراد دارد؛ به بیان دیگر هرچه منابع افراد برای مقابله بهتر باشد، کمتر احتمال دارد گرفتار موقعیت‌های منجر به آسیب شوند (Shahbazi, Heidari & Sheikhi, 1390). به طور کلی، مقابله به عنوان کوششی برای افزایش سازگاری (compatibility) فرد با محیط یا تلاش برای پیشگیری از بروز پیامدهای منفی شرایط فشارزا توصیف شده است (White, English, Coates, Legerlund, 2015; Borland, et al., 2015).

محققان معتقدند سبک (style) مورد استفاده توسط افراد در مواجهه با مشکلات، به نوع عوامل فشارزا و مشکلات بستگی دارد (Dafeyi, 1384). در مشکلات مربوط به کار و ارتباط‌های بین فردی، مقابله متمرکز بر مسأله (emotion-focused coping style)، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی در مسائل مربوط به سلامتی و اقتصاد، سبک مقابله هیجان‌مدار (emotion-focused coping style) مؤثر است زیرا از طریق دستکاری‌های شناختی، فرد را از مشکل دور نگه می‌دارند (Nasirzadeh & Rasoulzadeh, 1388). چنین به نظر می‌رسد که در موقعیتهایی که مستلزم انجام کارهای سازنده است، سبک مقابله‌ای مسأله‌مدار مؤثرتر است (Felton, Rivenson & Hunirensin, 2017). برخی از پژوهش‌ها مبین آن است که فقدان مهارت‌های مقابله‌ای، یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های اتمام زناشویی است (Harper, Schaalje, Story & Sandberg, 2000; Neff & Karney, 2004; Bradbury, 2004; Randall & Bodenmann, 2009).

رضایت زناشویی (marital satisfaction)، میزان ادراک زوج از برآورده شدن نیازها و تمایلاتش توسط شریک زندگی‌اش است (peleg, 2008). رضایت زناشویی به عنوان میزان ادراک (perception) زوج از اینکه شریکش نیازها و تمایلات او را برآورده می‌کند تعریف می‌شود. رضایت زناشویی یک ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی یا رابطه عاشقانه کنونی فرد است و می‌تواند انعکاسی از میزان شادی افراد از روابط زناشویی و یا ترکیبی از خشنود بودن به واسطه بسیاری از عوامل مختص رابطه زناشویی باشد (Pakniat & Roshan Chesli, 1396). تلاش‌های زیادی در زمینه تشخیص عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی و پیامدهای آن بر زندگی فردی و جمعی انسان‌ها انجام شده است (Albert & Rabkin, 2015). رضایت زناشویی علاوه بر اثرات فردی، پیامدهای اجتماعی مهمی نیز به همراه دارد که می‌تواند سلامت فرد و جامعه را تضمین کند؛ به این صورت که با ایجاد امید (hope)، خوش‌بینی (optimism)، از بین بردن احساس ناتوانی، انزوا (isolation) و بی‌اعتمادی (distrust) در بین زوجین، فرآیند رشد آنان را تسریع نموده و با ایجاد احساس تعلق و تعهد اجتماعی (social belonging and commitment) بقای جامعه را تضمین می‌کند. در مقابل، وجود نارضایتی زناشویی، با ایجاد بدبینی (pessimism) در افراد در طولانی‌مدت موجب انزوا و بی‌اعتمادی اجتماعی و از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی (social capital) می‌شود (Keeler, 2016). رضایت‌مندی زناشویی یک مفهوم چندبعدی است که عوامل گوناگونی را شامل می‌شود و این عوامل در رضایت یا خشنودی کلی روابط میان زن و مرد نقش دارند (Beck, Pietromonaco, DeBuse, Powers & Sayer, 2013). در صورت برآورده نشدن انتظارات ناشی از وظایف زناشویی، در خانواده تنش و استرس (stress) به وجود می‌آید؛ بنابراین انتخاب راهبردهای مقابله‌ای (coping strategies) مؤثر در کاهش استرس بین زوجین اهمیت پیدا می‌کند. مفهوم مقابله در سال ۱۹۹۶ توسط لازاروس (Lazarus) معرفی شد و از آن پس شیوه مقابله افراد با مشکلاتشان مورد بررسی قرار گرفت

از آن است که استفاده از راهبردهای مسأله‌مدار موجب تقویت نگرش مثبت به خویشتن و کاهش احساس از خودبیگانگی می‌شود (Hasanshahi & Daraei, 1384). خراسانی (Khorasani & Ghanad, 1385) در پژوهش خود نشان داد که بین از خودبیگانگی و رضایت زناشویی رابطه‌ای منفی وجود دارد. مطابق با مدل استرس-طلاق (Bodenmann, Ledermann & Bradbury, 2007)، مشکلات روان‌شناختی در میان زوج‌ها، موجب کاهش روابط احساسی و کاهش وقت‌گذرانی آنان با همدیگر می‌شود که خود موجب از خودبیگانگی و در نتیجه عدم رضایت زناشویی می‌شود. دانش (Danesh & Heidarian, 1385) در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که ناسازگاری و عدم رضایت زناشویی موجب از خودبیگانگی زوجین می‌شود. آکانکشا و تیلوتاما (Akanksha & Tilottama, 2013) در پژوهشی به بررسی رابطه بین از خودبیگانگی، راهبرد مقابله‌ای، سبک دفاعی و بیان پرخاشگری زنان تراجنسیتی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین از خودبیگانگی و راهبرد مقابله‌ای رابطه معناداری وجود دارد.

از آنجا که در سال‌های اخیر احساس امنیت، آرامش و روابط صمیمانه میان زن و مرد به سستی گراییده و خانواده دستخوش فرایندهای ناگواری شده است (Sotoudeh, 1389) و رضایت زناشویی نقش مهمی در معنا دادن به زندگی، سعادت و رفاه زندگی فردی و خانوادگی ایفا می‌کند (Razi, 1391) و همچنین از آنجایی که در زندگی مدرن امروزی احساس از خودبیگانگی بیشتر و بیشتر می‌شود و این احساس خود مسائل و مشکلات روانی زیادی به وجود می‌آورد (Mohseni, 1383)، زیرا فرد از خودبیگانه از نظر روانی دچار بحران هویت می‌شود که این بحران هویت، سلامت روانی وی را تهدید می‌کند (Daryabandari, 1389)؛ بنابراین، بررسی رابطه سبک‌های مقابله‌ای و رضایت زناشویی با نقش میانجی احساس از خودبیگانگی در میان دانشجویان ضروری می‌نماید. بر این اساس محقق در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که آیا بین سبک‌های مقابله‌ای و رضایت زناشویی با نقش میانجی احساس از خودبیگانگی در میان دانشجویان زن متأهل

تحقیقات دیگری نشان داده‌اند که میان راهبردهای مقابله‌ای و رضایت‌مندی زناشویی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد (Asgari, 1390؛ Alizadeh, 1390؛ Shamsayi, 1390؛ Rostami, 1394؛ Adams, 2003؛ Tamaren, 2010؛ Cheng, 2010؛ Haapala, 2012).

سبک‌های مقابله‌ای علاوه بر رضایت زناشویی بر از خودبیگانگی (self-alienation) فرد نیز تأثیر می‌گذارند (Alishvandi, 1392). از خودبیگانگی به معنی دور شدن از ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و انسانی، فراموش کردن کمالات، غفلت کردن از خود اصیل و واقعی و گم کردن مسیر هدایت است. انسان از خودبیگانه تصور و تصویری از خود خواهد داشت که مطابق توانایی‌ها و قابلیت‌هایش نخواهد بود. از خودبیگانگی انسان را برای پذیرش هر چیزی و زندگی در شرایط خاص آماده می‌کند (Banifateme, 1390). از خودبیگانگی نوعی بیماری است که هویت واقعی انسان یا به عبارت دیگر، انسانیت انسان را هدف می‌گیرد و موجب بحران هویت (identity crisis) در فرد می‌شود و تعادل روانی شخص را بر هم می‌زند. فرد از خودبیگانه در واقع دچار نوعی اختلال شخصیت (personality disorder) می‌شود (Agnew, 2016)؛ بنابراین، اگر پایه و اساس از خودبیگانگی، فقدان هویت مثبت فرض شود، در واقع فرد از خودبیگانه، مستعد انواع بیماری‌های روانی و اختلالات شخصیتی است و در این صورت توانایی و مهارت کافی را برای مقابله با استرس ندارد و نمی‌تواند از روش حل مسأله برای غلبه بر استرس استفاده کند. بر همین اساس، تعارضات فرد غیرقابل حل باقی می‌ماند و موجب نارضایتی وی در زندگی می‌شود (Hersh & Hussong, 2015).

ارتباط بین پاسخ‌های مقابله و عملکرد بسیار پیچیده است و به عوامل متفاوتی بستگی دارد ولی شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه به کارگیری شیوه‌هایی مانند جستجوی اطلاعات و مقابله مسأله‌مدار، با شاخصهای سازگاری، همبستگی مثبتی دارند. افرادی که بیشتر از راهبردهای شناختی مسأله‌مدار استفاده می‌کنند، پیامدهای سازگاری بهتری را نشان می‌دهند (Koraei, Dasht Bozorgi, Zahery Abdeh Vand, 1397). نتایج برخی تحقیقات حاکی

دانشگاه پیام نور نجف‌آباد تأثیر معناداری وجود دارد؟ فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:

۱. بین سبک‌های مقابله‌ای و رضایت زناشویی با نقش میانجی احساس از خودبیگانگی در میان دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور نجف‌آباد اثر غیر مستقیمی وجود دارد.
۲. مدل سبک‌های مقابله‌ای و رضایت زناشویی با نقش میانجی احساس بیگانگی از خود در دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور نجف‌آباد برازش دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر روش پژوهش توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور نجف‌آباد در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بودند که طبق آمار امور دانشجویی دانشگاه تعداد آنها ۷۲۲ نفر بود. با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan, 1970)، ۲۵۲ نفر به صورت در دسترس انتخاب شدند.

ابزار سنجش

پرسشنامه سبک‌های مقابله با استرس (The coping Inventory for stressful situation (CISS): این پرسشنامه را اندلر و پارکر (Endler & Parker, 1990) برای سنجش روشهای مقابله افراد در موقعیت‌های فشارزا و بحرانی ساختند. این پرسشنامه روش مقابله‌ای را در سه حیطه «مقابله مسأله‌مدار»، «مقابله هیجان‌مدار» و «مقابله اجتنابی» مورد سنجش قرار می‌دهد. در حال حاضر، پرسشنامه با ۴۸ ماده یکی از ابزارهای قابل اعتماد برای سنجش روشهای مقابله به حساب می‌آید. هریک از روشهای مقابله، مقیاسی جداگانه با ۱۶ ماده دارد. دامنه پاسخ هر سؤال از یک تا پنج است. گزینه «یک» نشان می‌دهد که آزمودنی هرگز چنین عملی را انجام نمی‌دهد و گزینه «پنج» نشان‌دهنده این است که آزمودنی چنین عملی را بسیار زیاد انجام می‌دهد. اندلر و پارکر (Endler & Parker, 1990) روایی و پایایی پرسشنامه را به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۸۵ گزارش نموده‌اند. قریشی راد (Goreishirad, 1389) روایی این

پرسشنامه را تأیید کرد. بیگی، شیرازی و پسندیده (Beigi, Shirazi & Pasandideh, 1392) ضریب آلفای کرونباخ برای سبک مقابله‌ای مسأله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی را به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۸ و ۰/۷۰ به دست آوردند. همچنین در این پژوهش آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۰ به دست آمد. دو گوئیۀ این پرسشنامه چنین است: "وقتم را به نحو بهتری تنظیم می‌کنم"، "سعی می‌کنم با اشخاص دیگری باشم".

پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ: برای سنجش رضایت زناشویی از پرسشنامه ۳۵ سؤالی اینریچ (Olson et al, 1987) استفاده شد. فرم کوتاه پرسشنامه رضایت زناشویی دارای ۴ خرده‌مقیاس است. این خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب شامل رضایت زناشویی، ارتباطات زناشویی، حل تعارض، و تحریف آرمانی است. پرسشنامه به صورت پنج‌گزینه‌ای (که در اصل نگرش سنجی از نوع لیکرت است) می‌باشد. اولسون و همکاران (Olson, Fournier & Druckman, 1987) ضریب روایی همزمان آن را ۰/۶۲ و پایایی پرسشنامه را ۰/۸۸ گزارش نمودند. عرب علیدوستی، نخعی و خانجانی (Arab Alidousti, Nakhaei & Khanjani, 1394) به این نتیجه رسیدند که این پرسشنامه از روایی مطلوب برخوردار است و ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۷۴ به دست آوردند. همچنین در این پژوهش سنجش پایایی پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد. دو گوئیۀ این پرسشنامه چنین است: "از ویژگی‌های شخصیتی و عادات همسر من راضی نیستم"، "روابطم با همسر من رضایت‌بخش نیست و احساس می‌کنم او مرا درک نمی‌کند".

پرسشنامه از خودبیگانگی: برای سنجش از خودبیگانگی از پرسشنامه ۱۲ سؤالی اوسین (Osin, 2009) استفاده شد. این پرسشنامه، از خودبیگانگی را در سه بعد احساس پوچی و بی‌معنایی، دوری از ارزش‌ها و جامعه‌سنجی و بعد احساس عدم تعلق مورد سنجش قرار می‌دهد. سؤالات پرسشنامه به صورت بسته پاسخ با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است. اوسین (Osin, 2009) روایی سازه و محتوایی پرسشنامه را از راه تحلیل عاملی تأیید کرده و پایایی پرسشنامه را از راه آلفای کرونباخ ۰/۸۳ گزارش داد. جهانگیری، ابوترابی زارچی، تنها و ابوترابی

دانشجویان زن متأهل توزیع شد. تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-24 و AMOS در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. برای تحلیل استنباطی داده‌ها از روش تحلیل مسیر و همبستگی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

پاسخگویان ۲۵۲ نفر زن متأهل بودند. از نظر سنی ۲۲ تا ۴۵ سال سن داشتند که در این بازه، ۴۱ نفر (۱۶,۵ درصد) بین ۲۲-۲۵ سال، ۹۲ نفر (۳۶,۵ درصد) بین ۲۶-۳۰ سال، ۶۳ نفر (۲۵ درصد) بین ۳۱-۳۵ سال، ۴۵ نفر (۱۷,۵ درصد) بین ۳۶-۴۰ سال و ۱۱ نفر (۴,۵ درصد) بین ۴۱-۴۵ سال بودند. همگی دانشجوی مقطع لیسانس بودند. در جدول ۱ ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش آورده شده است.

زارچی (Jahangiri, Aboutorabi Zarchi, Tanha & 1391) با رویی صوری، اعتبار پرسشنامه را مورد تأیید قرار دادند و با محاسبه آلفای کرونباخ، پایایی پرسشنامه را برابر ۰,۸۴۹، به دست آوردند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. دو گویه نمونه این پرسشنامه چنین است: "مطالعه بی‌فایده است: بیشتر دانشی را که به دست آورده‌ام نخواهم توانست به کار برم"، "اگر دوستی به من بگوید که یک سخنرانی را واقعاً دوست داشتم، با سختی آن را پیدا می‌کنم چون وی را باور دارم".

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

پس از آماده شدن ابزار و هماهنگی با مسئولان دانشگاه پیام نور نجف‌آباد به دانشگاه مراجعه کرده و پرسشنامه‌ها بین

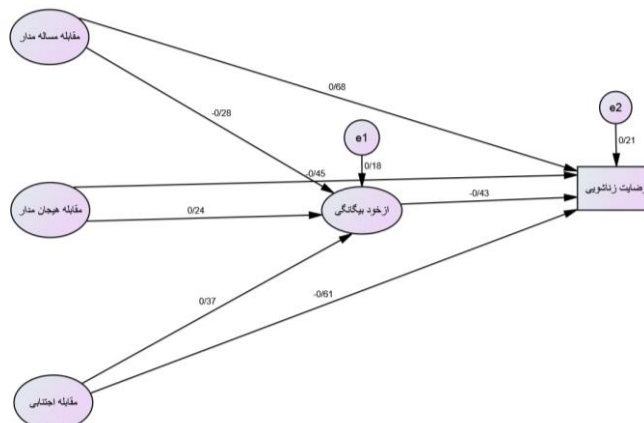
جدول ۱. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	رضایت زناشویی	ازخود بیگانگی
مقابله مسأله‌مدار	۰/۵۶**	-۰/۴۶**
مقابله هیجان‌مدار	۰/۳۷*	۰/۳۱*
مقابله اجتنابی	-۰/۶۳**	-۰/۵۱**

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

پیشنهادی را نشان داده است. ضرایب بتای استاندارد در بالای پیکان‌ها آمده است.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بین متغیرهای پژوهش ضریب همبستگی معناداری وجود دارد. برای بررسی فرضیه اول، از تحلیل مسیر استفاده شد. شکل ۱ مسیر



شکل ۱: نقش میانجی احساس از خودیگانگی درباره سبک‌های مقابله‌ای و رضایت زناشویی در میان دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور نجف‌آباد (همه ضرایب در سطح P<۰/۰۱ معنادار است).

همان‌طور که در شکل ۱ مشخص است، سبک‌های مقابله‌ای در نقش متغیر برونزا و احساس از خود بیگانگی، رضایت زناشویی و ابعاد آن در قالب متغیرهای درون‌زا عمل کرده است. همچنین برای متغیر درون‌زای رضایت زناشویی

جدول ۲. مسیرها و ضرایب بتای استاندارد متغیرهای پژوهش

مسیرها	ضرایب بتای استاندارد	سطح معناداری
مقابله مسئله‌مدار - رضایت زناشویی	۰/۶۸	۰/۰۱
مقابله مسئله‌مدار - از خود بیگانگی	-۰/۲۸	۰/۰۱
اجتنابی - رضایت زناشویی	-۰/۶۱	۰/۰۱
اجتنابی - از خود بیگانگی	۰/۳۷	۰/۰۱
هیجان‌مدار - از خود بیگانگی	۰/۲۴	۰/۰۱
هیجان‌مدار - رضایت زناشویی	-۰/۴۵	۰/۰۱
از خود بیگانگی - رضایت زناشویی	-۰/۴۳	۰/۰۱

با توجه به ضرایب بتای به دست آمده که در جدول ۲ نشان داده شده فرضیه اول تحقیق مبنی بر نقش میانجی احساس از خود بیگانگی درباره سبک‌های مقابله‌ای و رضایت زناشویی در میان دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور نجف‌آباد تأیید گردید ($P < ۰/۰۱$). در جدول ۳ شاخص‌های نیکویی برازش آورده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص برازندگی	GFI	AGFI	TLI	IFI	NFI	CFI	RMSEA
مدل پیشنهادی	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۰۵۷

جدول ۳ نتایج ارزیابی برازش الگوی پیشنهادی بر اساس شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهد. شاخص مجذورکای (χ^2) که یک شاخص برازندگی مطلق مدل به حساب می‌آید؛ هرچه از صفر بزرگتر باشد برازندگی مدل کمتر می‌شود. وقتی حجم نمونه برابر ۷۵ تا ۲۰۰ باشد، مقدار مجذورکای (χ^2) یک اندازه معقول برازندگی است؛ اما برای مدل‌های با N بزرگتر، مجذورکای (χ^2) تقریباً همیشه از نظر آماری معنادار است (Bollen & Long, 1993) و این موجب می‌شود که آماره مجذورکای (χ^2) تقریباً همیشه مدل را رد کند (Bentler & Bonnet, 1980; Jöreskog & Sörbom, 1993). از آنجا که مجذورکای (χ^2) نسبت به اندازه نمونه بسیار حساس است. بسیاری از پژوهشگران مجذورکای را نسبت به درجه آزادی آن (مجذور کای نسبی) می‌سنجند. نسبت این شاخص اثر اندازه نمونه را بر مدل مجذورکای (χ^2) به حداقل می‌رساند (Wheaton, Muthen, Alwin & Summers, 1977). برخی پژوهشگران بیان گفته‌اند چنانچه این شاخص کمتر از ۲ باشد، برازندگی عالی (fit excellent) و چنانچه بین ۲ تا ۵ برازندگی خوب (Okay fit) و چنانچه بزرگتر از ۵ باشد، برازندگی ضعیف (Poor fit) و غیر قابل قبول الگو را نشان می‌دهد (Bollen & Wheaton et al, 1977). شاخص‌های برازندگی مانند شاخص برازندگی مقایسه‌ای (IFI) و شاخص برازندگی افزایشی (CFI) شاخص‌هایی‌اند که برازش یک مدل معین را با مدل پایه که قائل به وجود کواریانس میان

توجه به ضرایب بتای به دست آمده فرضیه‌های تحقیق تأیید گردید ($P < 0/01$).

نتایج این پژوهش با بخشی از نتایج پژوهش‌های شمسایی (1396, Shamsaei)، حق‌شناس و باباخانی (1396, Haghshenas & Babakhani)، بوچارد، سابورین، لوسیر، رایت و ریچر (Bouchard, Sabourin, Lussier, Wright & Richer, 1998)، تامارن (Tamaren, 2010)، پتاسک و کنث (Ptacek & Kenneth, 1995)، علیشوندی (1392, Alishvandi)، خراسانی (Khorasani, 1385)، بودنمن و همکاران (Bodenmann et al, 2007)، دانش و حیدریان (Danesh & Heidarian) و آکانکشا و تیلوتاما (Akanksha & Tilottama, 2013) همسوست.

در تبیین ارتباط معنادار راهبردهای مقابله‌ای با رضایت زناشویی می‌توان گفت سبک‌های مورد استفاده توسط افراد در مواجهه با مشکلات به نوع عوامل فشارزا و مشکلات بستگی دارد. در مشکلات مربوط به کار و ارتباط‌های بین فردی، مقابله متمرکز بر مسأله، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. گرچه ارتباط بین پاسخ‌های مقابله و عملکرد بسیار پیچیده است و به عوامل متفاوتی بستگی دارد، شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه به کارگیری شیوه‌هایی مانند جستجوی اطلاعات و مقابله مسأله‌مدار، با شاخص‌های سازگاری، همبستگی مثبتی دارند. زوجینی که بیشتر از راهبردهای شناختی مسأله‌مدار استفاده می‌کنند، پیامدهای سازگاری بهتری را در زندگی زناشویی نشان می‌دهند (Ptacek & Kenneth, 1995) و در نتیجه رضایت زناشویی بیشتری دارند. مقابله با تنیدگی، تلاش‌های رفتاری و شناختی برای اداره خواسته‌های بیرونی یا درونی‌اند که از سوی فرد، تهدیدکننده یا آسیب‌زننده تلقی می‌شوند. در میان سبک‌های مقابله، سبک مقابله مسأله‌محور مؤثرترین روش مقابله است که به کاربرد بهینه مؤلفه‌های شناختی منطقی، انعطاف‌پذیری، آینده‌نگری و نیز ارزیابی دقیق و واقعی از تنشها و منابع در دسترس نیاز دارد (Akanksha & Tilottama, 2013):

بنابراین این سبک مقابله در کاهش تنش‌های بین فردی زوجین که امری اجتناب‌ناپذیر است، نقش مهمی را ایفا می‌کند و با برطرف کردن تنیدگی‌های بین فردی و مشکلات

متغیرها نیست، مقایسه می‌کنند (Bentler, 1990). هرچه این شاخص‌ها به یک نزدیکتر باشند، برازش مدل بهتر است؛ البته این مقدار باید حداقل $0/90$ باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود (Bentler, 1990; Hu & Bentler, 2010). شاخص ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات (RMSEA) یکی دیگر از شاخص‌های برازندگی است. ریشه دوم میانگین مجذورات باقی‌مانده است که به عنوان تابعی از مقدار کواریانس تفسیر می‌شود (Houman, 1384). براون و کودک (Browne & Cudeck, 2008) مقادیر بالاتر از $0/10$ را برای مدل‌های با برازش ضعیف، بین $0/08$ تا $0/10$ را برای مدل‌های با برازش متوسط، بین $0/05$ تا $0/08$ را برای مدل‌های با برازش مناسب و کمتر از $0/05$ را برای مدل‌های با برازش عالی می‌دانند. همچنین مک‌کلوم، براون و سوگاوارا (MacCallum, Browne & Sugawara, 1996) و هیو و بنتلر (Hu & Bentler, 2010) مقادیر بین $0/05$ تا $0/08$ را نشان دهنده برازش مناسب و خوب می‌دانند. لوئلین (Loehlin, 1987) نیز مقادیر کمتر از $0/10$ را نشانگر برازش مناسب مدل قلمداد می‌کند.

همان‌گونه که در جدول ۴ آمده است، با توجه به شاخص‌های ارزیابی برازندگی مدل اندازه‌گیری به‌ویژه نسبت مجذور کای بر درجات آزادی ($1/67$)، شاخص نیکویی برازش، GFI ($0/95$)، شاخص برازندگی تطبیقی، CFI ($0/92$)، شاخص برازندگی افزایشی، شاخص برازندگی هنجار شده، NFI ($0/91$)، شاخص توکر-لوئیس، TLI ($0/91$) و شاخص جذر میانگین مجذورات خطای تقریب، RMSEA ($0/057$) مدل اندازه‌گیری عوامل مکنون از برازندگی و روایی سازه خوبی برخوردار است.

با توجه به جدول ۴ تمام شاخص‌های برازش مدل مطلوب و بالاست؛ پس مسیر ترسیم‌شده از نیکویی برازش خوبی برخوردار است؛ بنابراین فرضیه دوم تحقیق تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی تأثیر بین سبک‌های مقابله‌ای و رضایت زناشویی با نقش میانجی احساس از خودیگانگی در میان دانشجویان زن متأهل دانشگاه پیام نور نجف‌آباد بود. با

برخی از محدودیت‌های پژوهش بدین شرح است: این مدل بر اساس تحقیقات تجربی و نظریه‌های پیشین طراحی شده است؛ پس لازم است در مورد نتیجه‌گیری‌های قاطع درباره روابط علی میان متغیرها احتیاط لازم صورت گیرد. هرچند روش آماری تحلیل مسیر، دربرگیرنده روابط علی است و فرضیات بر اساس این فرض تدوین می‌شوند؛ نتایج مدل‌های علی مبتنی بر داده‌های رگرسیونی است که این امر موجب می‌شود نتوان بر اساس روابط مشاهده شده با قاطعیت ادعای علیت کرد. با توجه به اینکه این تحقیق بر دانشجویان متأهل زن پیام نور نجف‌آباد صورت گرفته؛ بنابراین باید از تعمیم نتایج به سایر شهرها، مراکز دانشگاهی و دانشجویان متأهل مرد اجتناب و جانب احتیاط را رعایت کرد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر در دسترس بودن نمونه‌های پژوهش بود که در تعمیم نتایج آن باید احتیاط نمود.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهادهای پژوهشی زیر را برای پژوهش آتی ارائه داد. با توجه به اهمیت متغیرهای این پژوهش پیشنهاد می‌شود که نقش میانجی احساس بیگانگی با موضوعات و متغیرهای دیگر در حوزه روابط زناشویی مانند دل‌زدگی و صمیمیت زناشویی مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که نمونه‌های انتخاب شده در این پژوهش دانشجویان متأهل زن دانشگاه پیام نور نجف‌آباد بودند پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به مقایسه این متغیرها در مردان متأهل سایر مراکز دانشگاهی نیز پرداخته شود و نتایج با نتایج این تحقیق مقایسه شود. استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی برای افزایش اعتبار بیرونی و درونی یافته‌های حاصل از تحقیق پیشنهاد می‌گردد. پیشنهادهای کاربردی نیز بدین شرح است: باتوجه به ارتباط بین چندگانه سبک‌های مقابله‌ای و رضایت زناشویی با نقش میانجی احساس از خودبیگانگی، پیشنهاد می‌شود مهارت‌های مقابله‌ای و سبک‌های شناختی و فراشناختی تنظیم هیجان به عنوان یکی از گزینه‌های درمانی برای کاهش تعارضات زناشویی و ارتقاء سلامت روان و بهزیستی روان‌شناختی زوجین در نظر گرفته شود. همچنین پیشنهاد می‌شود حمایت‌های مالی، عاطفی و اجتماعی از طریق انجمن‌ها،

و استرس‌های ناشی از آن نقش بسیار مهمی را در ارتباطات زناشویی، حل تعارض‌های میان فردی و رضایت و صمیمیت زناشویی بر عهده خواهد داشت. در مقابل، در سبک مقابله هیجان‌مدار فرد سعی می‌کند پیامدهای هیجانی واقعه فشارآور را مهار کند. همچنین استفاده از راهبردهای مسأله‌مدار موجب تقویت نگرش مثبت به خویشتن و کاهش احساس از خودبیگانگی می‌شود (Alishvandi, 1392).

در تبیین نقش میانجی از خودبیگانگی با رضایت زناشویی و نقش مقابله‌ای می‌توان گفت انسان از خودبیگانه اسیر ملاحظات و فرمانبردار ضوابط و معیارهای نادرستی است که گویی رشته‌ای نادیدنی بر گردن او بسته است و وی را به هر سو بخواهد می‌کشاند. این افراد، از زیر بار مسئولیت، شانه خالی می‌کنند و نمی‌خواهند هدایت و اراده خویش را در دست داشته باشند. آنان بر اعمال خود حاکم نبوده و اعمال و کارهای آنان است که به عنوان قدرتی مستقل بر آن‌ها مسلط می‌شود تا جایی که مانند بت پرستان که بت‌های خود را پرستش می‌کردند، آنان از اعمال خود اطاعت می‌کنند. با توجه به آنچه گفته شد، فرد از خودبیگانه در کارش، شکوفا نمی‌شود، خود را نفی می‌کند؛ به جای احساس خوشبختی، ذهنی سرگردان دارد و احساس رضایت نمی‌کند. همین پاسخ‌های نامساعد به ناملایمات گوناگون زندگی، به‌ویژه زندگی زناشویی، می‌تواند موجب نارضایتی زناشویی شود (Banifatemeh, 1390)؛ از این رو، از خودبیگانگی با رضایت زناشویی رابطه‌ای معکوس دارد. همچنین اگر پایه و اساس از خودبیگانگی احساس پوچی و بی‌معنایی، دور شدن از ارزشها، عدم تعلق داشتن و فقدان هویت مثبت فرض شود، در واقع فرد از خودبیگانه، توانایی و مهارت کافی را برای انتخاب سبک مقابله‌ای مناسب در تعارضات زناشویی ندارد و نمی‌تواند از روش حل مسأله برای غلبه بر مشکلات زناشویی استفاده کند و بیشتر به راهبردهای هیجان‌محور و اجتنابی متوسل می‌گردد که نه تنها تغییری در شرایط، وضعیت، تعارض‌ها و مشکلات فرد نمی‌دهد بلکه به تشدید این مسائل نیز منجر می‌شود؛ بر همین اساس، تعارضات فرد حل نشده باقی می‌ماند و موجب نارضایتی وی در زندگی زناشویی می‌شود (Hersh & Hussong, 2015).

- psychology faculty, Karaj Azad University, M.A. thesis in general psychology, Islamic Azad University, Karaj branch.
- Banifatemeh, H. (1390). Investigating the rate of social alienation among students of Tabriz University and its related factors, *Journal of Iran social development studies*, 4 (3), 54-69
- Beck, L. A., Pietromonaco, P. R., DeBuse, C. J., Powers, S. I., & Sayer, A. G. (2013). Spouses' attachment pairings predict neuroendocrine, behavioral, and psychological responses to marital conflict, *Journal of Personality and Social Psychology*, 105(3), 388-424.
- Beigi, A.; Shirazi, M.; Pasandideh, M. (1392). The Effectiveness of life skills training on improving the quality of life and coping styles of addicts under methadone maintenance treatment, *Journal of research on addiction*, 7 (23): 95-109.
- Bentler, P. M. (1990). Comparative fit indexes in structural models, *Psychological Bulletin*, 107(2), 238-246.
- Bentler, P. M., & Bonett, D. G. (1980). Significance tests and goodness of fit in the analysis of covariance structures, *Psychological Bulletin*, 88(3), 588-606.
- Bodenmann G, Ledermann T. Bradbury TN. (2007). Stress, sex, and satisfaction in marriage. *Personal Relationships*, 14:551-569.
- Bollen, K.A. (1989). *Structural Equations with Latent Variables*. John Wiley & Sons, New York, 528 p.
- Bollen, K.A. and Long, J.S. (1993). *Testing Structural Equation Models*. Sage, Newbury Park, CA.
- Bouchard, G., Sabourin, S., Lussier, Y., Wright, J., & Richer, C. (1998). Predictive Validity of Coping Strategies on Marital Satisfaction: Cross-Sectional and Longitudinal Evidence. *Journal of Family Psychology*, 12(1), 112-131.
- Browne, M.W. & Cudeck, R. (2008). *Alternative ways of assessing model fit*. In Bollen, K.A. & Long, J.S. [Eds.] *Testing structural equation models*. Newbury Park, CA: Sage, 136-162.
- Cheng, C. C. (2010). A study of inter-cultural marital conflict and satisfaction in Taiwan, *International Journal of Intercultural Relations*, 34 (4), 354-362.
- سازمانها و خانواده‌ها از زوجین به عمل آید تا مشکلات آنان در زمینه انطباق و سازگاری زناشویی و حل مشکلات و تعارض‌های بین فردی رفع گردد و از این طریق به سلامت روان آنان و رضایت زناشویی بیشتر کمک نمود.
- ### منابع
- Adams, A. M. (2003). *Perceived influences of differentiation of self on marital and sexual satisfaction*, A.M. Thesis, University of Louisiana at Monroe.
- Agnew, R. (2016). The interactive effects of peer variables on delinquency, *American Journal of criminology*, 29(1), 47-72.
- Akanksha, M., Tilottama, M. (2013). A study of alienation, coping strategy, defense style and expression of aggression of transgender women, *Indian journal of clinical psychology*, 40(2), 208-219.
- Albert, S. H. & Rabkin, J. G. (2015). *Mental health status, functioning and disability*, In J. A. Rush, M. B. First & D. Blacker (Eds), *Handbook of Psychiatric Measures*. 2nd Ed. (pp. 83-106). Washington, DC: American Psychological Association.
- Alishvandi, Kh. (1392). *The relationship between early maladaptive schemas with feelings of alienation and marital satisfaction in women applying for divorce in Bandar Abbas*, M.A. thesis in psychology, Islamic Azad University, Marvdasht branch.
- Alizadeh, R. (1390). *Investigating the factors affecting the coping styles, marital satisfaction and mental health in women in Urmia city*, M.A. thesis in psychology, Islamic Azad University, Urmia branch.
- Arab Alidoosti, A.R.; Nakhaei, N.; Khanjani, N. (1394). Reliability and validity of Kansas and Enrich shortened marital satisfaction questionnaires in Persian, *Journal of health and development*, 4 (2): 158-167.
- Asghari, A. (1390). *Investigating the relationship between coping styles with marriage stress and marital satisfaction of married students of the*

- Dafei, M. (1384). *Investigating the relationship between coping styles with individual characteristics and mental health of infertile couples in Yazd*, M.A. thesis, Tehran, Faculty of medicine, Tarbiat Modares University.
- Danesh, A., Heidarian, M. (1385). Relationship between mutual interest and respect with marital satisfaction of spouses in Qom city, *Quarterly journal of new things and counseling researches*, 5 (3), 59-68.
- Daryabandari, N. (1389). *Without-yourself Pain, a study of the concept of elimination in western philosophy*, Tehran: Ketab-e-Parvaz publication.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (1990). Multidimensional assessment of coping: A critical evaluation, *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 844-854.
- Felton, T., Rivenson, J. & Hunirensin, S. (2017). *Stress, Appraisal, and Coping*, New York: Springer.
- Folkman, S. and Lazarus, R.S. (1980). An Analysis of Coping in a Middle-Aged Community Sample, *Journal of Health and Social Behavior*, 21, 219-231.
- Haapala, C. (2012). Stress, Coping Strategies, and Marital Satisfaction in Spouses of Military Service Members, *Master of Social Work Clinical Research Papers*, 31, St. Catherine University. Available on: http://sophia.skate.edu/msw_papers/3.
- Haghshenas, S. Babakhani, N. (1396). Studying the prediction of marital satisfaction based on stress and time view, *Quarterly journal of family research*, 52, 569-584.
- Harper, J. M., Schaalje, B. G., & Sandberg, J. G. (2000). Daily hassles, intimacy, and marital quality in later life marriages, *American Journal of Family Therapy*, 28, 1-18.
- Hassanshahi, M. M. (1381). Investigating the relationship between optimism and coping styles with stress in university students, *Journal of principles of mental health*, 4 (16-15), 64-71.
- Hassanshahi, M. M.; Daraei, M. (1384). The Impact of coping strategies with stress on students's mental health: The effect of moderating psychological stubbornness, *Journal of Knowledge and research in applied psychology*, 21, 77-98.
- Hersh, M.A., and Hussong, A. (2015). The association between observed parental emotion socialization and adolescent self-medication. *Journal of abnormal child psychology*, 37, 493-499.
- Houman, H. (1384). *Structural equation modeling with applied software of Lisrel software*, Tehran: Samat publication.
- Hu, L.-T., & Bentler, P. M. (2010). *Evaluating model fit*, In R. H. Hoyle (Ed.), *Structural equation modeling: Concepts, issues, and applications* (pp. 76-99), Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications, Inc.
- Jahangiri, J; Aboutorabi Zarchi, F.; Tanha, F.; Aboutorabi Zarchi, H. (1391). Investigating the relationship between dormitory life satisfaction and alienation of dormitory female students (Case study: University of Isfahan), *Women in culture and art*, 4 (4): 89-106.
- Jöreskog, K. G., & Sörbom, D. (1993). *LISREL 8: Structural equation modeling with the SIMPLIS command language*, Chicago, IL, US: Scientific Software International; Hillsdale, NJ, US: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Keeler, L. A. (2016). The differences in sport aggression, life aggression, and life assertion among adult male and female collision, contact, and non-contact sport athletes, *Journal of Sport Behavior*, 30(1), 57-76.
- Khorasani, M., Ghanad, M. (1385). Investigating the causes and motivations that affect on the marriage of people aged 25 to 45 in Birjand and its relationship with marital satisfaction, *Journal of social sciences*, 1 (7), 143-174.
- Koraei, A.; Dasht Bozorgi, Z.; Zahery Abdh Vand, S. (1397). The Effect of Coping Strategies on Coping with Infertility in Women: Mediator Role of Marital Quality, *Scientific Journal of Hamadan Nursing & Midwifery Faculty*, 26 (3): 191-202.
- Loehlin, J. C. (1987). *Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural analysis*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

- MacCallum, R. C., Browne, M. W., & Sugawara, H. M. (1996). Power analysis and determination of sample size for covariance structure modeling, *Psychological Methods*, 1(2), 130-149.
- Mohseni, A. (1383). *Cultural and social injuries of universities*, Encyclopedia of higher education, Under the supervision of Nader Gholi Ghourchian et al., First Edition, Volume One, Tehran: Persian encyclopedia foundation.
- Nasirzadeh, R; Rasoulzadeh Tabatabaei, K. (1388). Investigating the relationship between religious beliefs and students' coping strategies with stress, *Horizon of knowledge*, 15 (2), 36-45.
- Neff, L. A., & Karney, B. R. (2004). How does context affect intimate relationships? Linking external stress and cognitive processes within marriage, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 30, 134-148.
- Olson, D. H., Fournier, D. G. & Druckman, J. M. (1987). *Counselor's manual for PREPARE/ENRICH* (Revised edition). Minneapolis, MN, PREPARE/ENRICH, Inc.
- Osin, E. (2009). Subjective Experience of Alienation: Measurement and Correlates, *Existenzanalyse*, 29(1), 4-11.
- Pakniat, M.; Roshan Chesli, R. (1389). Predicting marital satisfaction based on emotionality, intimacy, sexual performance and personality traits in nurses, *Biannual journal of clinical psychology and Personality (Daneshvar-e-Raftar)*, 16 (1): 159-178.
- Pelege, O. (2008). The relation between differentiation of Self and marital satisfaction: What Can Be Learned From Married People Over the Course of Life? *The American Journal of Family Therapy*, 36: 388-401.
- Ptacek, J. T., & Kenneth, L. D. (1995). Coping Strategies and Relationship Satisfaction in Couples, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 21(1), 76-84. Doi: 10.1177/0146167295211008.
- Qhoreishirad, F. (1389). Validating scale of coping with the stressful situations of Andler and Parker, *Journal of behavioral sciences*, 4 (1), 1-7.
- Randall, A. K., & Bodenmann, G. (2009). The role of stress on close relationship and marital satisfaction, *Clinical Psychology Review*, 29, 105-115.
- Razi, A. (1391). *The effectiveness of group counseling with an existential approach to the center control and marital satisfaction in married women*, M.A. Thesis, Allameh Tabatabai University.
- Rostami, M. (1394). *Investigating marital satisfaction in relation to demographic variables, social support, coping styles and quality of life in the staff of hospital in Tehran city*, M.A. thesis in general psychology.
- Shahbazi, S.; Heidari, M. ; Sheikhi, R. (1390). The effect of problem solving skills training on stress tolerance in nursing students, *Journal of medical sciences of Shahrekord University*, 13 (2), 32-37.
- Shamsaei, M. (1390). *Investigating and comparing the relationship between stress coping ability and marital satisfaction of young couples in Tehran city*, M.A. Thesis in general psychology, University of Tehran.
- Sotoudeh, H. (1389). *Social Pathology*, Tehran: Avae-Noor Publication.
- Story, L. B., & Bradbury, T. N. (2004). Understanding marriage and stress: Essential questions and challenges, *Clinical Psychology Review*, 23, 1139-1162.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using multivariate statistics* (5th ed.). Boston, MA, Allyn & Bacon/Pearson Education.
- Tamaren, K. J. (2010). *Emotional factors and coping with marital satisfaction*. Ph.D. thesis in Psychology, Saint Louis University.
- Wheaton, B., Muthen, B., Alwin, D., F. & Summers, G. (1977). Assessing reliability and stability in panel models, *Sociological Methodology*, 8(1), 84-136.
- White, V. M., English, D. R., Coates, H., Legerlund, M., Borland, R., & Giles, G. G. (2015). Is Cancer Risk Associated with Anger Control and Negative Affect? Findings from a Prospective Cohort Study, *Psychosomatic Medicine*, 69(7), 667-674.